

# ارمانا

گفت‌وگو و تدوین:  
محسن گودرزی  
محمد جواد غلامرضا کاشی  
علی اصغر رمضانپور

زندگی و  
دیدگاه‌های  
استاد



محمد رضا شحرمان

تهران  
۱۳۹۸

## فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۱	سپاس‌گزاری
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول: دیدگاه‌ها
۱۰۱	فصل دوم: زندگی و آثار
۲۲۱	یک زندگی؛ پنجاه‌وهفت تصویر
۲۶۱	نمایه

— اجازه دهید بحث را از یک موضوع مهم در ارزش‌گذاری انواع موسیقی شروع کنیم. معمولاً در بحث موسیقی، مثل سایر مسائل فرهنگی، دو دیدگاه وجود دارد: یک دیدگاه از موسیقی متعالی دفاع می‌کند و موسیقی والا را آن نوع از موسیقی می‌داند که اهل فن و افراد متخصص بر آن صحنه می‌گذارند. طبیعتاً این نوع موسیقی عامه‌پسند نیست. این دیدگاه موسیقی عامه‌پسند را رد می‌کند، چون معتقد است موسیقی عامه‌پسند از نظر زیبایی‌شناختی در سطح نازلی قرار دارد؛ سطح فنی و زیبایی‌شناختی این نوع موسیقی پایین است و در نتیجه به سطحی‌ترین عواطف توده‌ها پاسخ می‌دهد. دیدگاه دوم از موسیقی عامه‌پسند، به دلیل ارتباطی که با زندگی روزمره دارد، دفاع می‌کند. شما چه نظری دارید؟

می‌خواهم موضعی میانه انتخاب کنم. بحثم را از این‌جا شروع می‌کنم که موسیقی متعلق به همه‌ی مردم است. همه‌ی گروه‌های اجتماعی حق دارند به موسیقی‌ای که می‌پسندند دسترسی داشته باشند. معنای این حرف آن است که نمی‌توانیم فقط یک نوع موسیقی را ترویج کنیم، چون سلیقه و پسند افراد با هم فرق می‌کند. موسیقی مورد پسند من با موسیقی مورد پسند شما فرق

می‌کند. هر کس سلیقه‌ای دارد. منظورم این است که اولاً افراد حق دارند موسیقی دلخواهشان را بشنوند؛ ثانیاً چون سلیقه‌هایشان با هم فرق می‌کند، باید تنوع موسیقی داشته باشیم؛ یعنی نمی‌توانیم فقط یک نوع موسیقی - مثلاً به قول شما موسیقی متعالی - را ترویج کنیم.

خُب! حالا اگر قرار است مردم موسیقی خودشان را انتخاب کنند، آیا موسیقی‌دان هم باید موسیقی را به سطح درک مردم برساند؟ این جا با نظر گروه دوم که شما گفتید مخالفم. موسیقی‌دان باید سطح موسیقی را بالا بیاورد و از این طریق به رشد سطح سلیقه‌ی مردم کمک کند. معتقدم نباید سطح کار را آن قدر پایین بیاوریم که کار مبتذل شود، هیچ معنایی در آن وجود نداشته باشد و موسیقی بی‌ارزش شود. موسیقی نباید خود را به سطح زیبایی‌شناختی مردم تنزل دهد، باید سطح زیبایی‌شناختی مردم را به خود نزدیک کند. از آن طرف، نباید سطح موسیقی را آن قدر بالا ببریم که فقط معدودی از افراد متخصص با آن ارتباط برقرار کنند. من این نوع موسیقی را رد نمی‌کنم، اما نمی‌توانیم سیاست موسیقی را بر این اساس قرار بدهیم. نهاد مردم باید هنر را بپسندد. موسیقی مطلوب من آن نوع موسیقی است که هم مردم بتوانند از آن استفاده کنند و هم اهل فن آن را بپسندند.

#### — مثل شعر حافظ!

بله! مثال خیلی خوبی است. حالا که مثال زدید به ذهنم می‌رسد یک وقت شعر حافظ را ملک‌الشعراى بهار یا شفیعی کدکنی می‌خواند و تفسیر می‌کند، یک موقع یک آدم معمولی شعر حافظ را می‌خواند و از آن معنایی برداشت می‌کند. وقتی آدم معمولی به سوی شعر حافظ می‌آید، و آن را می‌خواند و می‌پسندد، باز شعر حافظ ارزش هنری خودش را از دست نمی‌دهد. هنر یک جامعه باید چنین وضعی داشته باشد: هنری که متعالی است، ارزش‌های والا دارد، ولی راه ورود به آن برای همه باز است. موسیقی باید این‌گونه باشد؛ مثل شعر حافظ. ما باید راه را برای همه باز کنیم تا به جهان موسیقی وارد شوند. البته روشن است که همه‌ی افراد به یک اندازه از معنا نصیب نمی‌برند.

— می‌گویید افلاطون بر سر در آکادمی اش این نوشته را نصب کرده بود: «هر کس هندسه نمی‌داند به این مکان وارد نشود». منظور شما این است که بر سر در موسیقی ایرانی ننویسیم که هر کس مثلاً سه‌گانه و شور نمی‌داند به این جهان وارد نشود.

بله! این که شوخی است، ولی گاهی بعضی دیدگاه‌ها به همین نتیجه می‌رسند. وقتی ما از نوآوری در موسیقی پرهیز می‌کنیم، کار کمتر عرضه می‌کنیم، عملاً موسیقی را محدود کرده‌ایم. معتقدم موسیقی ایرانی را باید فراگیر کرد و این کار با تنوع و گسترش آن امکان دارد. باید برای هر گروه و برای هر سلیقه موسیقی ایرانی تولید کنیم، منتها بهترین را. مثلاً کودکان باید بتوانند موسیقی متناسب روحیه‌شان را از موسیقی ایرانی در دسترس داشته باشند. همین نوع موسیقی کودکان می‌تواند بهترین باشد یا کم‌ارزش‌ترین.

— کارهای شما همین ویژگی را دارند؟ آیا شما همیشه تلاش می‌کنید کاری خوب و متعالی عرضه کنید یا کاری عامه‌پسند؟

من همیشه می‌خواهم کاری عالی عرضه کنم. اعتقاد دارم اگر موفق به انجام این کار شوم، این موسیقی مورد پسند مردم قرار می‌گیرد و در عین حال ارزش‌های موسیقایی خود را دارد. تلاش من این نیست که موسیقی‌ام عامه‌پسند باشد، برعکس من به معیار موسیقی فکر می‌کنم، کاری که سطح موسیقی ایرانی را بالا ببرد. به نظر من مردم هم از این کار استقبال می‌کنند و سطح سلیقه‌ی آن‌ها را بالا می‌برد.

— غالباً این بحث در مورد کارهای شما مطرح است که موسیقی شجریان در واقع موسیقی نخبگان است. در عین حال این موسیقی در بین مردم هم رواج دارد؛ یعنی موسیقی شجریان در عین این‌که یک موسیقی متعالی است، اما مورد پسند مردم هم هست. آیا شما هم تأیید می‌کنید که موفق به این تلفیق شده‌اید؟

این را من نباید بگویم. این را جامعه باید بگوید، موسیقی‌دانان باید بگویند.